



دیدار وزرای خارجه ایران و عمان

سیدعباس عراقچی و بدرالبوسعدی وزرای خارجه ایران و عمان روز شنبه ۲۰ دی در تهران دیدار و گفت‌وگو کردند. به گزارش خبرنگار سیاست خارجی ایرنا، وزیر خارجه ایران پس از یک ساعت و نیم گفت‌وگوی هیئت‌های ایرانی و عمانی پشت درهای بسته در نشست خبری مشترک با حضور خبرنگاران رسانه‌های داخلی و خارجی ضمن خوشامدگویی به همتای عمانی گفت: «این سفر نشانه نزدیکی روابط دو کشور است و ما از این سفر بسیار سیاسی‌گزاریم.» وزیر خارجه در ابتدای این نشست خبری با اشاره به اینکه ایران و عمان دارای روابط عمیق و ریشه‌دار تاریخی و فرهنگی هستند، گفت: «ایزنی و تبادل نظر میان مقامات دو کشور و همچنین در سطوح کارشناسی در همه زمینه‌ها در حال انجام است. اجرای کامل توافقات دو کشور شامل یادداشت‌ها و تفاهات منعقد شده در سفر رئیس‌جمهور ایران به عمان در دستور کار دو کشور قرار دارد.» عراقچی افزود: «در دیدار امروز ما بر تعهد دو کشور نسبت به حفظ ثبات در منطقه خلیج فارس و کمک به تحقق صلح و ثبات در این منطقه تأکید کردیم. ما درباره موضوع فلسطین، تحولات یمن و لبنان و سوریه گفت‌وگو کردیم و من گزارشی از سفر اخیرم به لبنان ارائه دادم. در این دیدار همچنین زمینه‌های مشترک در توسعه روابط دو کشور مورد بررسی قرار گرفت.» رئیس دستگاه دیپلماسی با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران همواره در تلاش بوده روابط خود را بر اساس حسن همسایگی تنظیم کند، گفت: «ما از نقش عمان در پرورده‌های میانی‌گری در منطقه و همچنین نقش این کشور و شخص آقای بدرالبوسعدی در مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا که متأسفانه توسط آمریکا به جنگ کشیده شد، قدردانی می‌کنیم.» وزیر خارجه در ادامه گفت: «ما از روابط تاریخی با سلطنت عمان خاطرات بسیار خوبی داریم و مصمم به ادامه و توسعه این روابط هستیم.»



ملاقات عراقچی و نبیه بری

وزیر امور خارجه ایران عصر روز جمعه با نبیه بری، رئیس پارلمان لبنان دیدار کرد. به گزارش ایسنا، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران روز جمعه همچنین با وزیر خارجه، رئیس‌جمهور و مفتی اعظم لبنان دیدار کرد. وزیر امور خارجه ایران ضمن تبیین دلایل این سفر و با اشاره به عزم جمهوری اسلامی ایران برای تحکیم روابط با کشور لبنان در همه زمینه‌های مورد علاقه دو کشور، بویژه حوزه‌های اقتصادی و تجاری، بر اهمیت اهتمام طرفین برای تحکیم مناسبات دوجانبه تأکید کرد. وی بر اهمیت تحکیم وحدت و انسجام ملی لبنان برای فائق آمدن بر چالش‌ها و مشکلات، خصوصاً در مواجهه با توطئه‌ها و تهدیدهای اسرائیل تأکید کرد. رئیس پارلمان لبنان با تقدیر از وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به خاطر انجام این سفر مهم، رویکرد جمهوری اسلامی ایران در تقویت ریزنی‌ها با دولت لبنان و تعامل با همه طوایف و جوامع تشکیل دهنده لبنان را ارزشمند و مؤثر دانست. وی لزوم موفقیت لبنان برای مواجهه با چالش‌ها، اشغالگری و سیطره‌طلبی اسرائیل را اتحاد و انسجام همه‌جانبه همه اجزای جامعه لبنان دانست و بر اهتمام همه دست‌اندازان لبنان در این مسیر تأکید کرد. دو طرف در این دیدار درباره تحولات لبنان و روندهای سیاسی و میدانی منطقه، بویژه آخرین وضعیت تحولات لبنان، تداوم تجاوزها و تهدیدهای اسرائیل و پیامدهای آن بر ثبات و امنیت لبنان و منطقه، تبادل نظر شد. در این دیدار همچنین بر ضرورت تداوم ریزنی‌ها و هماهنگی‌ها میان ایران و لبنان در سطوح مختلف و استفاده از ظرفیت گفت‌وگوهای دیپلماتیک و پارلمانی برای کمک به تقویت ثبات و امنیت منطقه و منافع مشترک دو کشور تأکید شد.

نگاه دیپلمات



غنائم سفرین سلمان به واشنگتن

پیامدهای سفر ماه نوامبر ولیعهد سعودی به آمریکا عمدتاً به سود عربستان بوده‌اند



مایکل رتنی

سفير سابق آمریکا در عربستان سعودی



مشخص کرد که عادی‌سازی، متصل به برقراری مسیری معتبر برای کشورش فلسطین است. به عبارت دیگر، عربستان کوتاه نیامد و با توجه به مخالفت تزلزل‌ناپذیر نخست‌وزیر اسرائیل با کشورش فلسطین، عادی‌سازی احتمالاً باید منتظر دوران بعد از نتانیاهو باشد. در بحث سرمایه‌گذاری‌ها، پادشاهی سعودی همین حالا هم منبع مهمی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد آمریکاست؛ اما آنچه ترامپ می‌خواهد، سرمایه‌گذاری تازه در عرصه‌هایی از قبیل نوسازی و ساخت کارخانه‌هاست که بتواند اعتبار آن‌ها را به نام خودش داشته باشد. به‌وضوح بن سلمان تحت فشار بود که عددی سرسام‌آور اعلام کند. در نشست خبری ۱۸ نوامبر در اتاق بیضی، بن سلمان روحیه خود را در این جهت نشان داد و از این گفت که تعهد پیشین سعودی برای سرمایه‌گذاری به مبلغ ۶۰۰ میلیارد دلار، به «تقریباً یک تریلیون دلار» افزایش خواهد یافت؛ اما ادبیات او مبهم‌تر از آنی بود که بعداً گزارش کاخ سفید از این دیدار ادعای کرد. کاخ سفید اعلام کرد «عربستان سعودی تعهدات سرمایه‌گذاری خود را در ایالات متحده به تقریباً یک تریلیون دلار افزایش خواهد داد.» اما بن سلمان فقط گفت توافقاتی که در طول این سفر امضا شده‌اند، به مثابه «تقریباً یک تریلیون دلار سرمایه‌گذاری» خواهند بود. «سرمایه‌گذاری واقعی و فرصت واقعی... در عرصه‌های بسیار» که «فرصت‌های بسیاری برای سرمایه‌گذاری ایجاد خواهد کرد.» محض توضیح و اوضاحت، یک تریلیون دلار پول زیادی است، حتی برای عربستان سعودی و به‌خصوص زمانی که قیمت‌های نفت روند نزولی طی می‌کنند. «ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری» هم لزوماً به معنای سرمایه‌گذاری واقعی در اقتصاد آمریکا نیست. به‌علاوه، بن سلمان هیچ حرفی درباره چارچوب زمانی ماجرا نزد؛ بنابراین، آنچه ترامپ از ولیعهد گرفت اساساً یک نقل قول یک تریلیون دلاری بود، یعنی نفی یک عدد بزرگ، بلکه عددی چنان بزرگ که به سختی می‌توان جدی‌اش گرفت، به‌خصوص در غیاب هر گونه چارچوب زمانی مشخص. البته از حق نگذریم، حتی با اینکه سعودی‌ها در مجموع از

اف ۳۵ به عربستان پیشنهاد شد، یکی از بیشترین سخت‌افزارهای توافقاتی که برای امضا به او ارائه شد، روی مواد معدنی زمین‌آزری هسته‌ای صلح‌آمیز. پس برای عربستان سعودی، این سفر پرثمری بود؛ اما وضعیت برای ایالات متحده چگونه بود؟ فراتر از آن خوشامدگویی گرم به بن سلمان، به نظر می‌رسد بیشتر دو موضوع برای رئیس‌جمهور ترامپ مهم باشند: جلب موافقت عربستان سعودی برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل و تعهد به انبوهی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایالات متحده. در زمینه عادی‌سازی، او رضایت چندانی حاصل نکرد. طبق گزارش‌ها، ترامپ بر این باور است که چون او به جنگ در غزه «پایان» داده است، زمان آن رسیده که عربستان سعودی و اسرائیل مسیر به‌رسمیت‌شناسی دیپلماتیک متقابل را پیش بگیرند. بن سلمان، البته علناً عادی‌سازی را منتفی ندانست. او زمانی که در کنار رئیس‌جمهور در مقابل رسانه‌ها حاضر شد، گفت: «ما می‌خواهیم بخشی از پیمان‌های ابراهیمی باشیم.» اما این را

ترامپ و دعوی بن سلمان و بن زاید

نشان داده‌اند و این تا حدودی توضیح می‌دهد چرا به نظر می‌رسد که این طور رفتار امارات را می‌پذیرند. در ماه مه، بن‌زاید قول داد در فاصله ۱۰ سال، ۱/۴ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری در آمریکا کند. به‌علاوه، یکی از برادرانش هم ۲ میلیارد دلار در یک استارت‌آپ رمزارز سرمایه‌گذاری کرد که ترامپ و سه پسرش درست قبل از انتخاب دوباره او به ریاست جمهوری بنا کرده بودند. رئیس‌جمهور آمریکا، در ماه اکتبر در مصر، بایکی از برادران همتای اماراتی‌اش دیدار کرد و مشتاقانه درباره آن دیدار چنین گفت: «کلی پول نقد. پول نقد نامحدود.» اما ترنم ایالات متحده نسبت به امارات حالا در تضاد با خواسته‌های عربستان سعودی است. زمانی بود که بن‌زاید، متولد ۱۹۶۱، مرشد محمد بن سلمان، متولد ۱۹۸۵ دیده می‌شد اما آن روزها به نظر مدت‌هاست تمام شده است. یمن کانون این تنش‌های فراینده بین عربستان و امارات شده است. عربستان سعودی بعد از اثنی ۲۰۲۳ خود در ماه مارس با ایران، با حوثی‌ها تماس گرفت و این باعث شد امارات حمایت خود را از جدایی طلبان جنوب تشدید کند. جنگ در غزه تلاش‌ها برای حل‌وفصل درگیری یمن را در تعلیق قرار داد، در شرایطی که حوثی‌ها از حماس

Le Monde

سپتامبر ۲۰۲۰، پیمان صلحی تحت نظارت ترامپ، بین اسرائیل و امارات متحده عربی امضا شد. این اولین شراکت راهبردی بین اسرائیل و این دولت عربی بود. به‌علاوه، اولین و محکم‌ترین نمونه «پیمان‌های ابراهیمی» هم بود، با سه توافق عادی‌سازی که متعاقبش، بین اسرائیل با بحرین، مراکش و سودان حاصل شد. هیچ‌کدام از آن توافقات، پیشرفتی در حل‌وفصل اختلافی اسرائیلی-فلسطینی با خود به همراه نداشتند، نه قبل از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، نه بعد از آن. برعکس، شباهت‌های فراینده‌ای از لحاظ مصونیت، بین اسرائیل و امارات برقرار شده، در شرایطی که آن‌ها به شکلی تهاجمی در سراسر خاورمیانه اعمال قدرت می‌کنند. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، حتی الگویی با ارجاع از «اسپارت» را به کار بسته که پیش از او، دولت امارات بارهبری محمد بن‌زاید آن را به کار بسته بود. هیچ‌کدام از این دوره‌ها، توجه چندانی به قوانین بین‌المللی نشان نمی‌دهند و این موضوع جدیدی نیست. آنچه تعجب‌آورتر است این است که یک رهبر عربی می‌تواند علناً علیه نظر واشنگتن عمل کند و بر این کار مصمم باشد. ترامپ و دولت‌ش خطوط مبهمی درباره این موضوع

حمایت کردند و اقدامات تلافی‌جویانه اسرائیل و آمریکا، شمال یمن را هدف گرفت. جدایی طلبان حامی امارات، دولت حامی سعودی را از عدن اخراج کردند و کنترل ۶۰۰ کیلومتر از مرز با عربستان سعودی را در اختیار گرفتند. بن سلمان خواستار عقب‌نشینی جدایی طلبان شد اما بن‌زاید به نظر بیشتر پذیرای این بود که ببیند یمن جنوبی جدید، وارد «پیمان‌های ابراهیمی» با اسرائیل شود، در اقدامی مشابه به‌رسمیت‌شناختن جدایی طلبان شمالی در شمالی‌لند. متعاقب این، عربستان سعودی در دو جبهه با چالش جدایی طلبان مورد حمایت امارات مواجه است: مرز زمینی‌اش با یمن و مرز دریایی‌اش با سودان. انفعال دولت ترامپ، عربستان سعودی را قانع کرده است ابتکار عمل را به دست گیرد، این بار در یمن. روز ۳۰ دسامبر، نیروهای سعودی محموله تسلیحات امارات را که برای جدایی طلبان یمن می‌رفت، منهدم کردند. ابوظبی که ۲۰۱۹ بیشتر نیروهایش را از یمن عقب کشیده بود، تصمیم گرفت مشاوران و فرماندهانش را که هنوز در یمن در کنار جدایی طلبان کار می‌کردند، برگرداند؛ با این حال، جدایی طلبان حاضر نشدند از قلمروهایی که اخیراً تصرف کرده‌اند خارج شوند و این باعث حمله‌ای از سمت سعودی‌ها شد که ۲۰ نفر را کشت. خطر تشدید تنش با عربستان سعودی هیچ وقت این قدر جدی نبوده است. ترامپ که بر خلاف ادعایش به‌هیچ‌وجه صلحی در خاورمیانه نیاورد، مشخصاً موضوع را به رقابت و دست‌بازی دست گرفتن شکارچیان و نهاده است؛ از جمله در میان متحدان خود.